

[وجوه تقدیم اصل سببی بر مسببی 1](#_Toc532939219)

[وجه تقدیم اصل مسببی در بیان محقق حائری: 1](#_Toc532939220)

[تقریب محقق اصفهانی در تبیین مراد محقق حائری: 2](#_Toc532939221)

**موضوع**: استصحاب سببی و مسسبی /تعارض استصحابین /تعادل و تراجیح

**خلاصه مباحث گذشته:**

بحث در وجوه تقدیم اصل سببی بر اصل مسببی بود که به بیان محقق حائری رسیدیم

# وجوه تقدیم اصل سببی بر مسببی

## وجه تقدیم اصل مسببی در بیان محقق حائری:[[1]](#footnote-1)

محقق حائری بیان دیگری در وجه تقدیم اصل مسببی بر اصل سببی دارند که مطابق با آنچه شیخ در رسائل[[2]](#footnote-2) فرموده اند می باشد و محقق اصفهانی آنرا نقل و رد نموده است.

ایشان می فرمایند: شک سببی دو لازمه دارد یکی حکم لا تنقض برای شک سببی که همان استصحاب است و دیگری شک مسببی که مترتب بر شک سببی است. بنابر این شک مسببی و استصحاب سببی در یک رتبه قرار می گیرند و شک مسببی همانند حکم شک سببی، در رتبه معلول و لازم شک سببی قرار گرفته و متاخر رتبی از آن می باشد.

با توجه به تاخر رتبی شک مسببی از شک سببی، استصحاب در رتبه متقدم در شک سببی جاری می شود و شک مسببی را مرتفع می سازد و استصحاب مسببی، موضوع نخواهد داشت و تعارضی فرض نخواهد شد.

این بیان به ورود نیز قابل تطبیق است به این بیان که با جریان اصل سببی، شک در مسبب حقیقتا از بین می رود

## تقریب محقق اصفهانی در تبیین مراد محقق حائری:[[3]](#footnote-3)

محقق اصفهانی بیانی از شیخ نقل می کنند و در ادامه کلامی از محقق حائری نقل می کنند که ظاهر آن همانند کلام شیخ است اما محقق اصفهانی، بیان محقق حائری را تغییر داده و تقریب دیگری ازآن ارائه می دهند و می فرمایند:

البته تفاوت کلام شیخ و محقق حائری در اینست که شیخ، ترتب شک مسببی و سببی را به گونه ای دیگر تبیین می کنند و می فرمایند: شک سببی دو لازمه دارد یکی حکم شک سببی که همان لا تنقض و استصحاب است و یکی شک مسببی است و رتبه لازم متاخر از مزوم است و استصحاب که در رتبه شک مسببی است نمی تواند حکم شک مسببی و متاخر از آن باشد.

بنابر این کلام مرحوم شیخ اینست که رتبه لا تنقض با رتبه شک مسببی یکی است و لذا نمی تواند شک مسببی موضوع آن و مقدم بر آن باشد.

ظاهر کلام محقق حائری نیز همین مطلب است هرچند که محقق اصفهانی آنرا به بیانی دیگر تاویل میبرند و می فرمایند: جریان استصحاب در شک سببی و شک مسببی مانع یکدیگر می باشند و بین این دو استصحاب تمانع وجود دارد. اما از آنجا که رتبه شک سببی مقدم بر شک مسببی است، استصحاب در شک سببی بلا مانع جاری می شود و پس از جریان استصحاب در اصل سببی، جریان استصحاب در مسبب مبتلا به مانع شده و جاری نمی شود.

امتیاز این بیان این است که حتی اگر مثبتات استصحاب نیز حجت باشد اصل سببی بر اصل مسببی مقدم است و حکم امارتین متعارضتین را ندارد تا تعارض شکل بگیرد؛ زیرا در امارتین، اماره بر سبب مقدم بر اماره بر مسبب نیست و امارتین به جهت حجیت لوازم در هردو طرف، متعارض بوده و هم دیگر را نفی می کنند. اما در اصل سببی و مسببی حتی اگر مثبتات آن نیز حجت باشد، به جهت تقدم رتبه اصل سببی بر اصل مسببی، جریان اصل در سبب مانعی ندارد و با جریان استصحاب در سبب، استصحاب در مسبب جاری نخواهد شد و از آنجا که اصل مسببی مبتلا به مانع است و جاری نمی شود، و نوبت به حجیت مثبتات آن نخواهد رسید.

بنابرآنچه گذشت روشن میشود بیان محقق حائری منحصر در استصحاب سببی و مسببی نیست و در مانند اصاله الطهاره سببی نیز جاری است زیرا قاعده طهارت هرچند اگر با استصحاب هم عرض باشند، جاری نمی شود و محکوم استصحاب می شود؛ ولی اگر قاعده طهارت در سبب جاری باشد، رتبه آن بر استصحاب مقدم است و در رتبه سابق بدون مانع جاری می شود و پس از جریان آن، مانع از جریان استصحاب مسببی می شود

1. [درر الفوائد، عبدالکریم حائری، ج2، ص258.](http://lib.eshia.ir/13098/2/258/طبعا) [↑](#footnote-ref-1)
2. فرائد الاصول ؛ ج‏2 ؛ ص739

   إن شئت قلت‏ إن حكم العام من قبيل لازم الوجود للشك السببي كما هو شأن الحكم الشرعي و موضوعه فلا يوجد في الخارج إلا محكوما و المفروض أن الشك المسببي أيضا من لوازم وجود ذلك الشك فيكون حكم العام و هذا الشك لازمان لملزوم ثالث في مرتبة واحدة فلا يجوز أن يكون أحدهما موضوعا للآخر لتقدم الموضوع طبعا [↑](#footnote-ref-2)
3. [نهایة الدرایه فی شرح الکفایه، محمد حسین اصفهانی، ج3، ص299.](http://lib.eshia.ir/27897/3/299/اجله%20العصر) [↑](#footnote-ref-3)